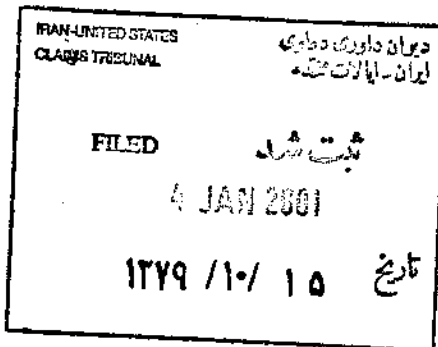


CONCURRING AND DISSENTING OPINION

Case No. A28

Full Tribunal



پرورنده شماره الف-۲۸

هیئت عمومی دیوان

تصمیم شماره : هیئت عمومی دیوان الف ۲۸ - ۱۳۰

ایالات متحده آمریکا و

بانک فدرال رزرو نیویورک،

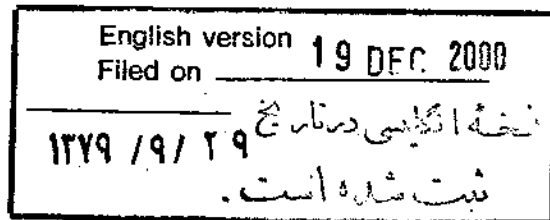
خواهاتنها،

و

جمهوری اسلامی ایران و

بانک مرکزی ایران،

خوانندگان.

نظر موافق و مخالف بنگت برومس

۱- در آغاز، من با مفاد بند ۹۵-الف تصمیم و جمله اول بند ۹۵-ب موافقم. اما جمله دوم و نیز، کلمه اول جمله سوم بند ۹۵-ب، یعنی "در نتیجه"، در ذهن من تردیدهای جدی ایجاد می‌کند. از آنجا که بند ۹۵ در شکل کنونی خود، بعد از پایان شور نهایی، توسط رئیس دیوان پیشنهاد شد و چون رئیس دیوان اعضا را مجدداً به ادامه شور دعوت نکرد، منظور دو جمله مزبور مبهم باقی مانده است. آیا کمترین اکثریت ممکن، به معنی آن است که جمله دوم جزو مقوله امیدهای زاهدانه (piae desiderata) است، بدون هیچ پیامد حقوقی خاص، یا اینکه جمله مزبور ایران را مکلف می‌کند که [حساب تضمینی] را بلافاصله در سطح ۵۰۰ میلیون دلار ترمیم کند، تا زمانی که رئیس دیوان به بانک مرکزی

الجزایر گواهی نماید که کلیه احکام داورى علیه ایران اجرا شده است؟ افزودن کلمه "در نتیجه"، متصل به رد [درخواست] دستور ترمیم موجودی و رد خواسته اضافی، چه بسا منجر به درخواست توضیح توسط هر یک از طرفین شود. نیز هنگامی که من به نحوه بیان مفروضات، انتظارات و پیش بینی‌های دیوان در بندهای ۹۲، ۹۳، ۹۴ می‌اندیشم، محتمل به نظر می‌رسد که خود اکثریت نیز منظور واقعی تصمیم را درک نکرده باشد.

۲- در جریان شور، من از این نظر دفاع کرده ام که دیوان موظف است واقعیات را با دقت بررسی کند تا دریابد که آیا ایالات متحده نیاز به دستورهای مورد درخواست دارد یا خیر. من اگر چه نمی‌توانم کلیه استدلالاتی را که ایران در جلسه استماع پرونده حاضر در اثبات عدم چنین نیازی اقامه کرده است، بپذیرم، معیناً استدلالات وزینی برای اثبات آن موضع وجود دارد.

۳- نخست اینکه، من اگر چه اذعان دارم که ایران از تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۷۱ [پنجم نوامبر ۱۹۹۲] حداقل مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار در حساب (ب) نگهداری نکرده، با اینحال مبلغ باقیمانده همواره این امکان را بوجود آورده که ایران یکایک احکام صادره علیه خود را بپردازد. در این خصوص، شکایتی وجود نداشته و کلیه اعضای هیئت عمومی به حقیقت این مطلب اذعان دارند.

۴- دوم اینکه، تا زمان جلسه استماع، تنها چهار پرونده افراد دو تابعیتی وجود داشت که هنوز فیصله نیافته بود. در تاریخ هشتم آذر ۱۳۷۹ [۲۸ نوامبر ۲۰۰۰]، شعبه دو حکم نهایی خود را در پرونده های شماره ۸۱۵، ۸۱۶ و ۸۱۷ به ثبت رساند. حکم مزبور ایران را ملزم نمود که کلاً مبلغ -/۲,۴۱۸,۷۱۱ دلار به علاوه بهره، به نرخ ۷/۷۵ درصد در سال به خواهانها بپردازد. موجودی فعلی حساب (ب) اکنون می‌تواند بابت حکم آتی در تنها پرونده دو تابعیتی باقیمانده، یعنی پرونده شماره ۴۸۵، مورد استفاده واقع شود. بدون اینکه راجع به نتیجه آن پرونده پیشداوری شود، اعضای دیوان می‌دانند که در جلسه استماع پرونده مزبور، خواهان مدعابه را به -/۲۲,۵۰۸,۹۲۲ دلار و بهره، به علاوه

هزینه های حقوقی، کاهش داد. کلیه اعضای دیوان می دانند که موجودی فعلی حساب (ب)، هر مقدار محکوم به احتمالی در پرونده شماره ۴۸۵ را کاملاً تأمین می کند.

۵- خواهانهای پرونده حاضر استدلال کرده اند که ادعای متقابل پرونده ب-۱ ممکن است روزی از موجودی حساب (ب) تجاوز کند، ولو آنکه خود موجودی برای کلیه پرونده های باقیمانده کافی باشد. بر این اساس، من در جریان شور چند بار پیشنهاد کرده ام که در مورد صلاحیت دیوان نسبت به ادعای متقابل پرونده ب-۱، که همواره بین دولتین مابین النزاع بوده، قبل از صدور تصمیم نهایی در پرونده شماره الف-۲۸، تصمیم اتخاذ شود. علاوه بر موضوع صلاحیت، دیوان همچنین می تواند تصمیم گیرد که، در صورت احراز صلاحیت، آیا مبلغ محکوم بهی که احتمالاً علیه ایران قابل صدور است، محدود به تهاجر در قبال مبلغی شود که به نفع ایران در پرونده شماره ب-۱ حکم داده می شود یا خیر. در صورتی که اکثریت این پیشنهاد را، که مورد تأیید سه عضو دیگر دیوان بود، پذیرفته بود، آنگاه دیوان در وضعیت صحیحی بود تا در مورد پرونده الف-۲۸ تصمیم گیرد. اطمینان دارم که هر دو دولت می فهمیدند که این گونه تأخیر، برای آنکه دیوان بهترین تصمیم ممکن را به اتفاق آراء حاصل کند، ضروری است.

۶- سوم اینکه، تصمیم پرونده حاضر، ارزش کافی برای التزام رسمی که نماینده رابط ایران در جلسه استماع داد، قائل نشده است. دیوان در بند ۹۲ تصمیم اعلام کرده است که هیچک از تدابیر پیشنهادی ایران، جبران خسارت عدم ایفای تعهد نیست. به نظر من، این نتیجه گیری نادرست است، زیرا بدایلی که در بالا توضیح داده ام، نیازی به اتکاء بر انتظارات دیوان نیست. دیوان باید رد درخواستهای ایالات متحده را بر فقد علاقه از ناحیه ایالات متحده و بر مقررات ذریبط کنوانسیون وین در خصوص حقوق معاهدات استوار می ساخت. اکثریت، اهمیتی بیش از آنچه که باید، برای این واقعیت قائل می شود که بند ۷ بیانیه عمومی "روشن و خالی از ابهام" است، و جایی برای تفسیرهای دیگر باقی نمی گذارد (بند ۵۴). تفسیر تحت اللفظی مورد ترجیح اکثریت، ساده ترین راه برای تفسیر ماده ۷ است. اما این انتخاب، از درك این نکته قاصر است که، در وضعیتی که اوضاع و احوال کنونی، به روشنی وضعیت پرونده حاضر، نشان می دهد که نتیجه نهایی

یکطرفه و غیر منصفانه خواهد بود، حتی روشن ترین شرط عهدنامه ای، نیاز به اعمال ندارد. در تصمیم حاضر، اکثریت درخواستها را بدرستی رد می‌کند، اما در عین حال، با مبنا قرار دادن تحقق انتظارات دیوان، راه را برای یک تفسیر متفاوت باز می‌گذارد. انتخاب بهتر این بود که تصمیم بر استدلالی که من در بالا اقامه کرده ام استوار شود.

۷- راجع به آخرین جمله بند ۹۵-ب، من با تصمیم به رد تقاضای خواسته اضافی موافقم. در این مورد نیز، از اینکه انتظارات دیوان، به رد تقاضای مزبور ارتباط داده شده است، متأسفم. به علاوه، به نظر من، اکثریت باید از اتخاذ تصمیم راجع به اختیار و صلاحیت دیوان خودداری نمی‌کرد. چنان تصمیمی باید در تصمیم حاضر اتخاذ می‌شد.

۸- در این رابطه، می‌خواهم بر این مطلب تأکید کنم که دیوان صلاحیت یا اختیاری برای اجابت تقاضای خواسته اضافی ایالات متحده ندارد. دلیل آن نیز ساده است. در بیانیه عمومی چیزی که موید این تفسیر باشد وجود ندارد که ایالات متحده نیز حق دارد به حساب تضمینی پول واریز کند. همچنین، نمی‌توان دیوان را ارگانی محسوب کرد که بطور ضمنی اختیار داشته باشد در خصوص تقاضای خواسته اضافی خواهانها، به نفع آنان تصمیم بگیرد. مایلم یافته دیوان در پرونده های شماره الف-۱۵ (چهار) و الف-۲۴ را به شرح زیر، به اکثریت یادآور شوم:

در تفسیر بیانیه های الجزایر، دیوان نمی‌تواند عبارات و اصطلاحات صریح مورد توافق طرفین را نادیده انگارد و نیز نمی‌تواند آن عبارات و اصطلاحات را با عبارات دیگری جایگزین نماید که معنی اصلی را ناگزیر تغییر می‌دهند.

حکم جزئی شماره ۵۹۰-الف ۱۵ (چهار)/الف-۲۴-هیئت عمومی، مورخ هفتم دی ماه ۱۳۷۷ [۲۸ دسامبر ۱۹۹۸]، بند ۹۱.

اگر به استنتاجاتی که من در بالا راجع به تقاضای خواسته اضافی ارائه کرده ام، توجه می‌شد، پیشنهاد من، به هر گونه شك و تردید و درخواست احتمالی برای توضیح راجع به بند ۹۵-ب تصمیم در ارتباط با تقاضای خواسته اضافی، پایان می‌داد.

لاہہ، به تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۷۹ برابر با ۱۹ دسامبر ۲۰۰۰

Beugh Broms
بنگت برومس